



Critique of the Influential Perspective of Judaism and Christianity on Islam, Harald Suerman*

Mahdi Habib Elahi ¹

Davood Ebrahimipour ²

Abstract

The study of Orientalists' views on Islam is one of the most important issues among thinkers in the field of Qur'anic sciences. The purpose of the present study is to examine the views of the German orientalist Harald Suermann in his article "Early Islam Based on Jewish and Christian Sources", which seeks to prove the influence of Judaism and Christianity in Islam. The method of this paper, which is the result of a research, is based on the library method and is applied in terms of purpose and has a descriptive-inferential nature in terms of the level of analysis. The data were collected through library studies using the Fish tool and answered in the form of discourse. The research findings show that Orientalists seek to weaken the religion of Islam and, using weak sources, introduce their doubts into the religion and then attribute it to the Holy Quran. The result of this research is that Suerman and Orientalists such as Krone and Cook, who explain Goldziher's view, consider Judaism and Christianity to be influential in early Islam and its spread, and introduce Islam as violent and ethnic, which, of course, the verses of the Qur'an and Original Islamic sources refute these statements.

Keywords: Harald Suerman, impressionability, Islam, Judaism, Christianity, Orientalism.

*. **Date of receiving:** 25 August 2020, **Date of approval:** 3 December 2020.

1. Assistant Professor, Department of Foreign Languages, Baqer al-Uloom University, Isfahan: habibolahi@gmail.com

2. PhD student in Quranic and Hadith Sciences and lecturer in the Department of Education, Amir al-Mo'menin University, Isfahan: debrahimipour@chmail.ir.



نقد دیدگاه تأثیرگذاری یهود و مسیحیت در اسلام، هارالد سوئرمین*

مهدی حبیب الهی^۱ و داود ابراهیم پور^۲

چکیده

بررسی دیدگاه‌های مستشرقان در مورد اسلام یکی از مباحث مهم در میان اندیشه‌وران حوزه علوم قرآنی است. هدف از تحقیق حاضر بررسی دیدگاه‌های هارالد سوئرمین، شرق‌شناس آلمانی در مقاله «اسلام اولیه بر اساس منابع یهود و مسیحیت» است که در اظهارات خود تلاش می‌کند تأثیرگذاری یهود و مسیحیت را در اسلام اثبات کند. روش این نوشتار که نتیجه یک پژوهش است، به روش کتابخانه‌ای متکی است و از نظر هدف کاربردی است و از جهت سطح تحلیل برخوردار از ماهیتی توصیفی - استنباطی است. داده‌های موردنظر از راه مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش جمع‌آوری شده‌اند و به شکل گفتمان پاسخ داده شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مستشرقان به دنبال تضعیف دین اسلام هستند و با استفاده از منابع ضعیف، شبهات خود را وارد دین کرده و بعد به قرآن نسبت می‌دهند. نتیجه حاصل از تحقیق این شد که سوئرمین و مستشرقانی همچون کرون و کوک که دیدگاه گلدزیهر را توضیح می‌دهند، دین یهود و مسیحیت را تأثیرگذار در اسلام اولیه و گسترش آن می‌دانند و اسلام را خشونت طلب و قوم‌گرا معرفی می‌کنند که این اظهارات با آیات قرآن و منابع اصیل رد شده است.

واژگان کلیدی: هارالد سوئرمین، تأثیرپذیری، اسلام، یهود، مسیحیت، شرق‌شناسی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳.

۲. استادیار گروه زبان‌های خارجه دانشگاه باقرالعلوم (ع) استان اصفهان: habibolahi@gmail.com.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث و مدرس گروه معارف دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) شهر اصفهان (نویسنده مسئول):
debrahimpoor@chmail.ir.



مقدمه

هارالد سوئرمن (Harald Suermann) متأثر از نظریات کرون و کوک است (سوئرمن، «اسلام اولیه بر اساس منابع مسیحی و یهودی» ۲۰۱۰: ۶/۱۴۴)؛ که دیدگاه گلدزیهر را توضیح می‌دهند (چولر، «جمع و تدوین قرآن»، ۲۰۱۰: ۷/۷۷۹)، پیامبر اکرم ﷺ را، متأثر از یهود و نصارا دانسته و به بیان‌های گوناگون این نسبت‌های ناروا را بر ایشان روا می‌دارند (ر.ک: قضائی، سعدی، نقد دیدگاه گلدزیهر در مورد اقتباس آموزه‌های اسلام از یهود، قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره ۱۴، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۸). در ادامه ابتدا به‌طور کلی نسبت‌های «هارالد سوئرمن» را بیان کرده و سپس مصادیق این نسبت‌ها را به‌صورت دقیق بیان نموده و سپس به بررسی و نقد نسبت‌های موردنظر در منابع اصیل اسلام می‌پردازیم.

در طول تاریخ، مستشرقان فراوانی پیرامون اسلام و شخصیت پیامبر اکرم ﷺ قلم‌زده‌اند که در این میان، برخی منصفانه به بررسی اسلام پرداخته‌اند و برخی دیگر مغرضانه؛ اما به‌طور کلی، تحقیق و بررسی پیرامون مسائلی که شرق‌شناسان مطرح کرده‌اند، بحثی نوپاست و از آنجایی که بسیاری از آثارشان به زبان اصلی نوشته شده، به پژوهش دربارۀ مباحث، دیدگاه‌ها و نظریات شرق‌شناسان توجه چندانی نشده و مسلمانان به آثار استشراقی پاسخ ویژه‌ای نداده و کم‌وبیش به نقد دیدگاه‌ها و نظراتشان در برخی موارد خاص پرداخته‌اند، ولی به ریشه‌یابی این شبهات و سرچشمه‌ی آن نپرداخته‌اند. ازجمله کسانی که مغرضانه به داوری پیرامون آن حضرت ﷺ پرداخته و شبهاتی هم چون تأثیرپذیری از یهود و مسیحیان به پیامبر رحمت ﷺ داده‌اند، «هارالد سوئرمن» است. دیدگاه‌های سوئرمن، شرق‌شناس آلمانی در مقاله «اسلام اولیه بر اساس منابع یهود و مسیحیت» است که در اظهارات خود تلاش می‌کند، تأثیرگذاری یهود و مسیحیت را در اسلام اثبات کند و سعی می‌کند، منشأ تاریخی اسلام و قرآن و سیره رسول اکرم ﷺ را یهودی جلوه دهد تا به این نتیجه برسد که اسلام منشأ یهودی دارد و دلیل قوام و ماندگاری‌اش، آموزه‌های یهود و تأثیرات آن است. اگرچه به‌طور کلی نسبت‌های قابل‌تأملی را که برخی مستشرقان ازجمله سوئرمن به ساحت آن سفیر الهی وارد ساخته‌اند و اسلام را متأثر از یهود دانسته‌اند، به دلیل حضور یهودیان در میان خاورشناسان غربی که با روش اظهار مسیحیت و مخفی کردن اعتقادشان است و منجر به جهت‌دهی پژوهش‌های خاورشناسان به نفع یهودیان شده است، ولی به‌طور خاص، این مستشرق آلمانی علتی دیگری هم دارد و آن مطالعه کتاب «تاریخ یعقوبی» و کتاب‌های غیر اصیل و دست‌دوم، پیرامون اسلام و شخصیت رسول‌الله ﷺ است.



روش پژوهش

نوع تحقیق این نوشتار بنیادی نظری و تحلیل گفتمان است که به مداخل مختلف مقاله و ادعاها پرداخته شده و اطلاعات و مواد اولیه به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و با مطالعه تفاسیر قرآن و کتب مربوطه تحلیل و بررسی هر یک از نظرات محققان و متخصصان را خواهیم آورد و بر اساس ماهیت و روش جزء تحقیقات توصیفی است. بدین منظور این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که «نقد و بررسی دیدگاه‌های هارالد سوئرمین پیرامون اسلام» چیست؟

پیشینه پژوهش

در خصوص دیدگاه‌های مستشرقان و اسلام، مطالعاتی به‌طورکلی انجام شده است. کتاب «دفاع از قرآن در برابر خاورشناسان»، عبدالرحمن بدوی، (۱۳۸۲)، با پژوهش و گردآوری سید حسین سیدی، از سوی «آستان قدس رضوی» منتشر شده است، مباحثی از قبیل پژوهش‌های تاریخی و متنی قرآن را بررسی و نقد می‌کند و اطلاعاتی از دیدگاه‌های خاورشناسان در اختیار خواننده قرار می‌دهد. مقاله «کتاب یهودیت، مسیحیت و اسلام»، حسین توفیقی به نقد و بررسی کتاب «یهودیت، مسیحیت و اسلام» می‌پردازد که از سوی «مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» منتشر شده، گلچینی از آثار دانشمندان بزرگ یهودی، مسیحی و مسلمان است که سه دین نامبرده را تبیین و مقایسه می‌کند و از سخنان متفکرانی از قبیل فیلو، ابن میمون، آگوستین، آکویناس، شیخ مفید، ابن سینا، غزالی، ابن رشد و... در زمینه‌های تاریخی، اعتقادی و عرفانی فراوانی استفاده می‌کند و آن منقولات را با عباراتی بسیار کوتاه به هم پیوند می‌دهد. در سال‌های اخیر نیز، آثار نوشتاری بسیاری در داخل و خارج از کشور به زبان‌های گوناگون درباره تأثیرگذاری یهود و مسیحیت در اسلام نگاشته شده‌اند. در یک تحقیق، مؤلفه‌های گفتمان یهودی مورد بررسی قرار گرفته است (رنجبران، پژوهش تاریخی مؤلفه‌های گفتمان یهودی، ۱۳۹۷). در این تحقیق نیز با بررسی برخی از مؤلفه‌ها، رابطه و چگونگی پشتیبانی و پیوند بین آن‌ها را با روش تحلیل گفتمان، بر اساس نظریه میشل فوکو در تاریخ پیامبر اکرم ﷺ واکاوی کرده است. در تألیفات یادشده هرکدام به‌طورکلی تأثیر یهود و مسیحیت را در اسلام بررسی کرده‌اند، ولی در این تحقیق دیدگاه هارالد سوئرمین به‌طور خاص در قرآن کریم، میان اندیشه‌وران حوزه علوم قرآنی و مفسران بررسی شده و دلایل او پاسخ داده می‌شود.

فرضیه‌ها

- ۱- اظهارات هارالد سوئرمین در مورد اسلام مخالف آیات قرآن کریم است.
- ۲- در خصوص «تاریخ یعقوبی»، هم منابع مورد استفاده قابل بحث است و بسیاری از موارد شفاهی و حتی در بعضی موارد اشعار و نقل قول‌های قبیله‌ای اعتماد کرده و بعضی موارد هم منابع نقل



نشده است و هم محتویات و متنی که به قلم خود نقل کرده است، در بسیاری از موارد برداشت‌ها و نظرات خود را در تاریخ وارد نموده است.

۳- به نظر می‌رسد که دیدگاه تأثیرگذاری یهود و مسیحیت در اسلام از روی غرض‌ورزی و مراجعه نکردن به منابع دست‌اول و معتبر باشد.

الف. بررسی دیدگاه هارالد سوئرمین

این مستشرق آلمانی با بیان سخنان و نوشته‌های خود، نتیجه می‌گیرد که منابع مسیحی و یهودی موجب پیدایش و گسترش اسلام اولیه بودند و نسبت‌هایی ناروا نسبت به پیامبر اعظم ﷺ و اسلام بیان می‌کند که در ادامه خواهد آمد.

۱. واکنش‌های اولیه مسیحیان و یهودیان با اسلام

هارالد سوئرمین در مقاله خود می‌گوید: «واکنش‌های اولیه مسیحیان و یهودیان در صدر اسلام در جهت عقلانی به نظر رسیدن یک دین جدید که تازه به وجود آمده بود در نظر گرفته می‌شد؛ و پیشرفت‌های داخلی دینی را که مسلمانان ادعای تفسیرش را داشتند، نشان نمی‌داد و بیشتر شیوه‌ای را که توسط طرفداران سایر ادیان درک می‌شد را نشان می‌داد» (سوئرمین، اسلام اولیه بر اساس منابع مسیحی و یهودی، ۲۰۱۰: ۶/۱۳۵).

یک. معادشناسی و الهیات یهود و مسیحیت

سوئرمین می‌گوید: «پیش‌بینی‌های معاد کتاب مقدس یهودیت بر محور سقوط امپراتوری فرانسه بود؛ اگرچه سقوط امپراتوری را به معنای ورود ضد مسیحیت نمی‌دانستند، بلکه باورش این بود که حضرت مسیح می‌آید و امپراتوری اسرائیل را دوباره به یهودیان برمی‌گرداند.» همچنین نظام سیاسی و امپراتوری زمان هم با این واقعه همراه شده بود: «سقوط نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر اساس معاد شناسی و الهیات رستگاری پایه‌گذاری شده بود، چون امپراتوری فرانسه خود را به‌عنوان آخرین امپراتوری قبل از ظهور مجدد حضرت مسیح می‌دید. پیش‌بینی‌های معاد مسیحیت نیز بر محور سقوط امپراتوری فرانسه بود. مسلمانان وسیله‌ای از جانب خدا در نظر گرفته می‌شوند که فرستاده شده‌اند تا گناهان مسیحیان را مجازات کنند. این گناهان عبارت بودند از سرپیچی‌های اخلاقی، توحید یا یک ذات پنداری.» (همان: ۱۳۶).



شهر قدس تحت سلطه دشمنان بی‌ایمان درآمد و علت آن گناهانی بود که ما (مسیحیان) مرتکب می‌شدیم. شهر قدس چهارصد سال یوغ بندگی و ظلم و ستم را تحمل کرد و در این مدت، بسته به روحیات امیر و حاکمی که بر آن سلطه داشت، وضعیت شهر تغییر می‌کرد. گاهی اوقات اوضاع بهتر می‌شد و گاهی هم به وخامت می‌گرایید؛ حال او شبیه مریضی بود که با تغییر آب‌وهوا مرض وی شدت و ضعف پیدا کند.» (الصوری، تاریخ الحروب الصلیبیه، ۲۰۰۴: ۲/۱۴۱).

دو. تسلط اولیه یهودیان بر اورشلیم

قبل از فتوحات اعراب، هیچ‌کس با ظهور یک دین توحیدی متفاوت با یهودیت و مسیحیت و با کتاب مقدس مخصوص به خود جدی گرفته نمی‌شد، چه برسد به آنکه پایه و اساس دین خود را بر ابراهیم و تاریخ رستگاری یهودی - مسیحی بنا بگذرد. فتح فلسطین توسط اعراب بر فتح ایرانیان مقدم بوده است. برای مدتی یهودیان حتی کنترل اورشلیم را به دست آوردند و باقیمانده تروکراس (منطقه‌ای از اورشلیم) به دست ایرانیان افتاد. همه این اتفاقات موجب شد، امید میان یهودیان به وجود آید» (سوئرم، «اسلام اولیه بر اساس منابع مسیحی و یهودی» ۲۰۱۰: ۶/۱۳۶).

۲. گزاره‌های مشترک اسلام با کتب مقدس مسیحیت و یهودیت

دین اسلام گزاره‌های مشترکی با کتب مقدس مسیحیان و یهودیان دارد و مواردی را برای مسیحیان و یهودیان تبلیغ می‌کند که انتظار آن را داشتند. در مورد وضعیت فتوحات اعراب در الهیات رستگاری یهودی - مسیحی، متون مسیحی و یهودی شامل گزاره‌هایی در مورد آیین اسلام هم هستند.» (همان: ۱۴۰).

یک. گزاره‌های مشترک در مورد الهیات و احکام

در متون مسیحیت و یهودیت در مورد نماز، روزه، سقوط شیطان، سه قدیس کودک و پیامبر دانیال و مانند آن و همچنین در مورد يك ذات پنداری بحث شده است: اجازه دهید مانند رسولان (حواریون حضرت مسیح) پدرانمان نماز بخوانیم... بگذارید روزه بگیریم و بدون توقف نماز بخوانیم و احکام خداوند را رعایت کنیم، به‌گونه‌ای که نعمت‌هایی که همه پدران ما را خوشحال کرده‌اند، ممکن است بر ما هم فرود آید. سقوط شیطان به دلیل امتناع او از تعظیم به انسان بوده است. گناه و رفتارهای سه قدیس کودک و پیامبر دانیال و مانند آن و همچنین شامل بحث در مورد يك ذات پنداری است (همان، ۱۴۰).



دو. گزاره‌هایی در مورد ابراهیم و محمد

خدا با سوگند، این سرزمین را به ابراهیم و نسل او برای همیشه وعده داد. در آن زمان مرد خاصی از میان همین فرزندان اسماعیل به نام محمد که تاجر بود، انگار به دستور خدا به عنوان واعظ [و] راه حقیقت ظاهر شد. او به آن‌ها آموخت که خدای ابراهیم را تشخیص دهند، مخصوصاً به این دلیل که او آموزش دیده بود و از تاریخ موسی آگاه است. حالا چون فرمان از طرف بالا آمد، در یک دین جمع شدند. آن‌ها با کنار گذاشتن فرقه‌های بیهوده خود، به سوی خدای زنده‌ای که داشتند، روی آوردند... همه آن‌ها در یک توافق کامل جمع شدند و ۱۲ قبیله مطابق قبیله‌های خانواده‌های پدرسالاران از صحرای پاران رفتند. آن‌ها ۱۲۰۰۰ مرد را مانند بنی اسرائیل به قبایل خود، هر قبیله هزار مرد تقسیم کردند. تا آن‌ها را به سرزمین اسرائیل سوق دهند» (همان: ۱۴۲).

او (حضرت محمد ﷺ) مسلح به شمشیر است و حمله‌های نظامی به مناطق مختلف دارد و برای آن‌ها قانون نخوردن مردار، نوشیدن شراب، دروغ نگفتن و زنا نکردن گذاشت.» (همان: ۱۳۹)؛ و گفت: بهشت وعده داده شده، مخصوص پیروانش است. جایگاه کلیدداری بهشت فقط برای پیروان، مانند موضوع فامیلی تاکنون در آثار ادبی پیشوایان مسیحیت هنوز اثبات نشده است.» (همان: ۱۳۶).

ب: نقد و بررسی

بسیاری از مستشرقان، تصویری مخدوش از اسلام ارائه کرده‌اند. از نظر آن‌ها، اسلام، مذهبی غیر صادق، متمایل به بت پرستی و نوعی بدعت مسیحی محسوب می‌شد. آنان نه تنها نبوت پیامبر اسلام را انکار کرده و او را ضد مسیح دانسته‌اند، بلکه ضعف‌های اخلاقی زیادی برای دین اسلام و پیامبرش برشمرده‌اند، از جمله آن‌که محمد ﷺ مطالب درستی از عهد عتیق و عهد جدید را در قرآن آورده است (وات، محمد پیامبر و سیاست‌مدار، ۱۳۴۴: ۱۳۹). گمان می‌رود، ایجاد این تصویر مخدوش از اسلام، عمدتاً واکنش مسیحیان در برابر برتری فرهنگی مسلمانان، به ویژه در اندلس بوده باشد (همان: ۱۴۸). در آن دوران، مسیحیان تصور می‌کردند که نسبت به مسلمانان نه تنها از جنبه مذهبی، بلکه از نظر اخلاقی نیز برترند؛ در چشم مسیحیان حاضر در جنگ‌های صلیبی، مسلمانان جنگ‌جویان خشنی به نظر می‌آمدند. از این رو، تمسخر و ذکر نقاط ضعف مسلمانان و اسلام در قالب ترسیم و تحریف دین اسلام مطرح شد.



سوئرمَن نیز یکی از مستشرقانی است که نظراتی در مورد اسلام داشته است که مهمترین منبع دیدگاه‌های خود را قرآن و تاریخ یعقوبی معرفی می‌کند که در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در خصوص قرآن اقرار دارد: «از آنجایی که آن جلد از منبع که مقاله متعلق به آن است، به قرآن اختصاص داده شده است و نه تاریخ اسلام اولیه به طور کلی، من خودم را به متون نوشته شده قبل از ۶۹۰ میلادی محدود کردم، طبیعتاً قادر نخواهیم بود که بررسی دقیقی بر روی منابع داشته باشیم و در نتیجه فقط آن‌هایی انتخاب شده‌اند که من آن‌ها را نماینده کردم.» (همان: ۱۳۶).

۱. نقد با قرآن

با توجه به اینکه قرآن کریم مأخذ اساسی هرگونه تفکر اسلامی است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۸۴/۲) و مهمترین منبع برای دانشمندان مسلمان است نقد مقاله را ابتدا با آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) شروع می‌کنیم.

یک. گزاره‌های موافق با آیات قرآن

هارالد سوئرمَن مواردی را در خصوص گزاره‌های مشترک اسلام و ادیان مسیحیت و یهودیت آورده است که بعضی مانند نماز، روزه و سقوط شیطان درست است و مطابق کلام خداوند متعال در قرآن کریم است.

اول. نماز

نماز از بزرگ‌ترین عبادت‌هایی است که قرآن بر آن تأکید بسیار دارد، حتی درباره‌اش فرموده: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (عنکبوت/۴۵)؛ «نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد». در قرآن کریم درباره هر امری سفارش می‌کند، در صدر آن و در اولش نماز را به یاد می‌آورد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۵۱۶/۱). یکی از برنامه‌های حکومت اسلامی برای گسترش معنویت، طبق آیات قرآن نماز است: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...﴾: (حج/۴۱)؛ «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و...» در آیه‌ای دیگر از قرآن نماز کارخانه انسان‌سازی و منبع معنویت معرفی شده است: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾ (معارج/۱۹-۲۲)؛ «به‌راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است. چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لاله کند و چون خیری به او رسد، بخل ورزد؛ غیر از نمازگزاران.»



دوم. روزه

روزه طبق دستورات خداوند متعال برای همه ادیان الهی است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/۱۸۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما واجب شده است، همان طور که بر اقوام قبل از شما واجب شده بود.» البته از تورات و انجیل موجود در دست یهود و نصارا هیچ دلیلی که دلالت کند، بر وجوب روزه بر این دو ملت، دیده نمی شود. تنها در این دو کتاب فرازهایی است که روزه را مدح می کند و آن را عظیم می شمارد؛ اما خود یهود و نصارا را می بینیم که تا عصر حاضر در سال چند روز به اشکالی مختلف روزه می گیرند، یا از خوردن گوشت و یا از شیر و یا از مطلق خوردن و نوشیدن خودداری می کنند و نیز در قرآن کریم داستان روزه زکریا و قصه روزه مریم از سخن گفتن آمده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳/۲).

سوم. سقوط شیطان

خداوند متعال در مورد سقوط شیطان می فرماید: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/۳۴)؛ «و چون به ملائکه گفتیم، برای آدم سجده کنید، پس همه سجده کردند، به جز ابلیس که از این کار امتناع کرد و کبر ورزید و او از کافران بود.» نخستین کسی که در برابر خدا نافرمانی کرد و روح بندگی را پایمال ساخت، ابلیس بود. منظور از سجده در آیه احترام و تکریم غیر خدا و در عین حال خضوع و اطاعت امر خدا نیز است و نظیر این استفاده را از آیه ﴿وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا﴾ (یوسف/۱۰۰)؛ «پدر و مادر خود را بر تخت سلطنت نشانید و ایشان و برادران همگی به منظور تعظیم وی به سجده افتادند، یوسف به پدر گفت: پدرم این است، تأویل آن رؤیایی که قبلاً دیده بودم، پروردگارم آن رؤیا را محقق کرد.» نیز می توان کرد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۱۵۰/۱).

دو. گزاره های مخالف با قرآن

سوئرمین در مقاله خود گزاره هایی از اسلام می آورد که مخالف با آیات قرآن کریم است که عبارت اند از:

اول. خشونت طلبی

سوئرمین مانند بسیاری از مستشرقان دیگر اسلام را دین شمشیر و خشونت معرفی می کنند: «او مسلح به شمشیر آمده است. در این بخش از مقاله مسلماً به حمله های نظامی حضرت محمد ﷺ و سلم اشاره می کند. (سوئرمین، «اسلام اولیه بر اساس منابع مسیحی و یهودی» ۲۰۱۰: ۶/۱۳۹). اسلام دینی است که با شمشیر و خشونت ترویج می شود (وات، برخورد آراء مسلمانان و مسیحیان، ۱۳۷۳:



۱۴۲ - ۱۴۳). محمد ﷺ اعلام نمود که پیامبری است مبعوث از جانب خداوند... و بر شرق، خاصه شبه جزیره عربستان استیلا یافت و بذری که کاشته بود، توسط جانشینانش به زور شمشیر و سخت گیری و نه از طریق وعظ و ارشاد، برای اجبار مردم به گردن نهادن به باورهای پیامبر ﷺ منتشر شد.» (الصوری، تاریخ الحروب الصلیبیة، ۲۰۰۴: ۲/ ۱۴۱).

۱. رأفت و عطوفت

قرآن کریم علت پیشرفت و گسترش اسلام را رأفت و عطوفت می داند: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَسْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/ ۱۵۹)؛ «به (برکت) رحمت الهی، در برابر آن‌ها (مردم)، نرم (و مهربان شدی)! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آمرزش بطلب! و در کارها، با آن‌ها مشورت کن؛ اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

۲. فطرت

بنای اسلام بر طریق فطرت بشری است «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم/ ۳۰)؛ «این همان فطرت خدایی است که خداوند مردم را بر آن آفریده؛ فطرتی که هیچ انسانی در احکام آن تردید نمی کند و کمال انسان در زندگی اش را همان می دانند که فطرت بدان حکم کرده باشد، و به سویی بخواند. نظام دینی و تعلیم دستورات و مقررات کلی و بیان معارف مبدأ و معاد منطبق با فطرت بشر است که به وسیله پیامبران تبلیغ و تکمیل شد (ر.ک: طالقانی، پرتوی از قرآن، بی تا: ۱/ ۴۰). این فطرت حکم می کند، به این که تنها اساس و پایه ای که باید قوانین فردی و اجتماعی بشر بر آن اساس تضمین شود، توحید است و دفاع از چنین اساس و ریشه و انتشار آن در میان جامعه و نگهداری آن از نابودی و فساد، حق مشروع بشر است و بشر باید حق خود را استیفا کند، حال به هر وسیله ای که ممکن باشد، البته از آنجائی که ممکن است در استیفای این حق خود دچار تدروی ها و یا تدروی ها شود، خود قرآن راه اعتدال و میانه روی را ارائه داده، نخست استیفاء این حق را با صرف دعوت آغاز کرده و دستور داده تا در راه خدا اذیت های کفار را تحمل کنند و در مرحله دوم از جان و مال و ناموس مسلمانان و از اسلام دفاع نموده، متجاوزان را سر جای خود بنشانند و در مرحله سوم اعلان جنگ دهند و قتال ابتدائی را آغاز کنند که هر چند به ظاهر قتالی ابتدائی است، ولی در حقیقت دفاع از حق انسانیت و کلمه توحید و یکتاپرستی است و اسلام هرگز قبل از دعوت به زبان خوش و اتمام حجت جنگ را آغاز نکرده است، همچنان که تاریخ زندگی پیامبر اسلام ﷺ شاهد است که عادت بر این جریان داشته است.



۳. حکمت و موعظه حسنه

قرآن کریم در مورد روش هدایت و راهنمایی انسان‌ها بر اساس حکمت و موعظه حسنه می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (نحل/۱۲۵)؛ «با حکمت و اندرز نیکو، به‌سوی راه پروردگارت دعوت نما و با آن‌ها به طریقی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. پروردگار تو از هرکسی بهتر می‌داند، چه کسانی از طریق او گمراه شده‌اند و چه کسانی هدایت یافته‌اند.» اسلام هرگز قبل از دعوت به زبان خوش و اتمام حجت، جنگ را آغاز نکرده است.

۴. استدلال و برهان

همچنین در مورد اهمیت استدلال و دلیل و برهان در سوره انفال می‌فرماید: ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ﴾ (انفال/۴۲)؛ «هر کس هلاک می‌شود (گمراه می‌شود)، با داشتن دلیل و تشخیص راه از چاه هلاک شده باشد و هر کس هم زنده می‌شود (هدایت می‌یابد)، با دلیل روشن زنده شده باشد.

دوم. قوم‌گرایی و عدم شایسته‌سالاری

سوئرمین در مورد قوم‌گرایی در اسلام می‌گوید: «بهشت وعده داده‌شده محمد ﷺ مخصوص پیروانش است. جایگاه کلیدداری بهشت فقط برای پیروان، مانند موضوع فامیلی است.» (سوئرمین، اسلام اولیه بر اساس منابع مسیحی و یهودی، ۲۰۱۰: ۶/۱۳۶).

۱. تقوا

قرآن کریم گرامی‌ترین افراد را باتقواترین آنان می‌داند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات/۱۳)؛ «ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و اینکه شما را شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله قرار دادیم تا از یکدیگر شناخته شوید، گرامی‌ترین فرد شما باتقواترین شما است. خداوند دانا و آگاه است.» آن‌کس که بیش از همه از نافرمانی خدا بپرهیزد و بیشتر از فرمان خداوند اطاعت کند، دارای پاداشی بیشتر و منزلتی رفیع‌تر خواهد بود (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۲۳، ۲۲۵).

۲. حق

در روز قیامت معیار حق است: ﴿وَالْوِزْنُ يُوْزَنُ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ﴾ (اعراف/۸-۹)؛ (میزان) (سنجش اعمال) در آن روز، حق است، آن روز است که هر کس اعمال وزن شده‌اش سنگین باشد رستگار است



و کسانی که اعمال وزن شده‌شان سبک باشد، همان‌هایی هستند که با ظلم بر آیات ما بر خود زیان رسانیده‌اند.» مردم در آنجا چند دسته‌اند. دسته اول: گروهی که به قدری از نظر حسنات و اعمال صالح پربارند که نیازی به توزین و حساب در کارشان نیست و بی حساب وارد بهشت می‌شوند؛ گروهی دیگر آن‌چنان اعمالشان حبط و باطل شده و یا به کلی فاقد عمل صالح هستند که باز نیازی به توزین ندارند، آن‌ها نیز بی حساب وارد دوزخ می‌شوند؛ اما گروه سوم آن‌هایی هستند که دارای حسنات و سیئات هستند، کارشان به وزن و حساب کشیده می‌شود و شاید اکثر مردم داخل در این قسم سوم هستند (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۷/۴).

سوم. ابراهیم و نسل او

سوئرمین بر این باور است که یکی از گزاره‌های مشترک اسلام، یهود و مسیحیت، مصونیت حضرت ابراهیم علیه السلام و نسل او از هر چیز هستند گفت: "خدا با سوگند، این سرزمین را به ابراهیم و نسل او برای همیشه وعده داد (سوئرمین، اسلام اولیه بر اساس منابع مسیحی و یهودی، ۲۰۱۰: ۶/۱۴۲).

۱. آزمایش و امتحان حضرت ابراهیم علیه السلام

خداوند متعال در این مورد در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...﴾ (بقره/۱۲۴)؛ «و (به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با حوادث گوناگونی آزمایش کرد و او به‌خوبی از عهده آزمایش برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم.» این امتحانات همان انواع بلاهایی بوده که در زندگی بدان مبتلا شده، و قرآن کریم به آن‌ها تصریح کرده که روشن‌ترین آن امتحان‌ها و بلاها، داستان سربردن فرزندش اسماعیل بوده (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۱/۴۰۶). قرآن می‌فرماید ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ...﴾ (صافات/۱۰۲)؛ «آنگاه که (آن پسر رشد یافت و) با او به سعی و عمل شتافت، ابراهیم گفت: پسر من در خواب می‌بینم که من به دست خودم، تو را ذبح می‌کنم.» تا آنجا که می‌فرماید ﴿إِن هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾ (صافات/۱۰۶)؛ «به‌درستی که این بلایی است آشکاراست.» این قضیه در دوران پیری آن جناب اتفاق افتاده، همچنان که قرآن در حکایت از آن می‌فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ (ابراهیم/۳۹)؛ «شکر خدای را که در سر پیری اسماعیل و اسحاق را به من ارزانی داشت، آری پروردگار من شنوا و دانای به حاجت است.»

۲. اعطای عهد خداوند بر اساس شایستگی

طبق آیات قرآن، حضرت ابراهیم علیه السلام، مقام امامت را برای نسل خود نیز درخواست نمود، پاسخ آمد که این مقام عهدی الهی است که به هر کس لایق باشد، عطا می‌شود. در میان نسل تو نیز کسانی که



شایستگی داشته باشند، به این مقام خواهند رسید: ﴿قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/۱۲۴)؛ «ابراهیم گفت: از فرزندان من نیز (امامانی قرار بده)، خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام‌اند.» چنانکه پیامبر اسلام ﷺ از نسل ابراهیم ﷺ است و به این مقام رسید، ولی کسانی که دچار کوچک‌ترین گناه و ستمی شده باشند، لیاقت این مقام را ندارند و به این جهت واژه «فَأَتَمَّهُنَّ» در آیه آمده است که منشأ امامت وراثت نیست، لیاقت است و با پیروزی در امتحانات الهی ثابت می‌گردد (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۰، ۳۹۷؛ ر.ک: الهی، سازندگی، نقد مقاله ابراهیم ﷺ نوشته فایرستون، قرآن پژوهی خاورشناسان، سال ۱۵، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹).

چهارم. سیمای یهودیان و مسیحیان در قرآن

در قرآن کریم، کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان، به‌عنوان کتب تحریف شده یاد شده و از یهودیان و مسیحیان به‌عنوان دشمن مسلمانان نام برده است. یکی از دلایل نسبت‌های ناروا به اسلام به دلیل دشمنی آنان است و پیروی از یهود و نصارا مساوی با عدم یاری از جانب خداست و چطور ممکن است کتب مقدس آنان تأثیر در قرآن داشته باشد، در صورتی که خداوند در قرآن کریم فرموده: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (نجم/۳ و ۴)؛ «و هرگز [پیامبر] از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید؛ آنچه می‌گوید، چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.»

۱. تحریف کتب مقدس

قرآن کریم درباره تحریف عهدین می‌فرماید: ﴿يَحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ (مائده/۱۳)؛ «تا آنجا که) سخنان (خدا) را از مورد خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آن‌ها گوشزد شده بود، فراموش کردند.» تورات در طول تاریخ مفقود شده، سپس جمعی از دانشمندان یهود به نوشتن آن مبادرت کردند و طبعاً قسمت‌های فراوانی از میان رفت و قسمتی تحریف یا به دست فراموشی سپرده شد و آنچه به دست آن‌ها آمد، بخشی از کتاب واقعی موسی ﷺ بود که با خرافات زیادی آمیخته شده بود و آن‌ها همین بخش را نیز گاهی به دست فراموشی سپردند (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۴، ۳۱۱). ﴿قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ (بقره/۱۷۹)؛ «وای بر کسانی که کتاب را با دست خود می‌نویسند و سپس می‌گویند: این از جانب خداوند است.»

۲. دشمنی با مسلمانان

خداوند متعال در برخی آیات قرآنی، یهودیان را سرسخت‌ترین دشمنان مسلمانان معرفی کرده است: ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...﴾ (مائده/۸۲)؛ «به‌طور مسلم،



دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت.» در آیه‌ای دیگر، خداوند می‌فرماید: یهود و نصارا از تو راضی نمی‌شوند، مگر این‌که از آنان پیروی کنی: ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ (بقره/۱۲۰)؛ «هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، [تا این‌که به‌طور کامل، تسلیم خواسته‌هایشان شوی، و] از آیین [تحریف یافته] آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوس‌های آنان پیروی کنی، پس از آن‌که آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یآوری از سوی خدا برایت نخواهد بود.» در آیه دیگری، قرآن سرپرستی یهود و نصارا را نشانه قرار گرفتن در زمره آن‌ها و ظالم بودن و هدایت نشدن دانسته است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (مائده/۵۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید. یهود و نصاری را سرپرست خود انتخاب نکنید! آن‌ها اولیای یکدیگرند و کسانی که از شما و آنان را سرپرست خود قرار دهند، از آن‌ها هستند؛ خداوند جمعیت ستم‌کار را هدایت نمی‌کند.»

۲. تاریخ یعقوبی

مهمترین مأخذی که سوئرمین استفاده کرده است و بخش زیادی از متن مقاله را به آن اختصاص داده و یک تیترو عنوان مستقل برای آن در نظر گرفته است، تاریخ یعقوبی است (The Doctrina Iacobi provides an idea of how these debates between (سوئرمین، اسلام اولیه بر اساس منابع مسیحی و یهودی، ۲۰۱۰: ۶/۱۳۹) که در آن مؤلف (احمد بن ابی یعقوب) به تاریخ ادیان و اقوام و ملل جهان پرداخته است. یعقوبی یکی از مورخان قرن سوم است که باید شناسایی منابع آن و نقد روش بهره‌گیری مؤلف از آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

در مورد نقد تاریخ یعقوبی، هم منابع مورد استفاده یعقوبی قابل بحث است و بسیاری از موارد شفاهی و حتی در بعضی موارد اشعار و نقل قول‌های قبیله‌ای اعتماد کرده و بعضی موارد هم منابع نقل نشده است و هم محتویات و متنی که به قلم خود نقل کرده است در بسیاری از موارد برداشت‌ها و نظرات خود را در تاریخ وارد نموده است.

مقدمه کتاب (جلد اول) تاریخ یعقوبی در دست نیست و نمی‌توان به‌طور دقیق از منابع مورد استفاده وی در موضوع تاریخ ادیان و فرهنگ اقوام و ملل در پیش از اسلام مطلع شد، حال آنکه شیوه کار یعقوبی در جلد دوم نشان‌دهنده آن است که شیوه او در تألیف، ابتدا معرفی منابع مورد استفاده بوده است. بنابراین باید با توجه به متن و محتوای کتاب و اشارات مستقیم و غیرمستقیم مؤلف در کتاب اول



و بهره گرفتن از مقدمه او در کتاب دوم و استفاده از تحقیق‌ها و پژوهش‌هایی که محققان در این زمینه انجام داده‌اند، به این دو سؤال پاسخ داد که منابع مورد استفاده یعقوبی در این کتاب چه بوده و دیگر آن‌که از این منابع چگونه سود جسته است.

یک. استفاده از متون دینی یهودی و مسیحی

اولین نقدی که به تاریخ یعقوبی وارد می‌شود، استفاده از متون دینی یهودی و مسیحی و اثرپذیری از آن است. در کتاب اول، داستان آدم و حوا و فرزندان آنان، داستان نوح، ابراهیم، یعقوب و فرزندان آنان، موسی و پیامبران بنی اسرائیل و فرمانروایانشان همچون داوود و سلیمان و نیز شرح حال عیسی بن مریم و اناجیل چهارگانه نقل شده است. یعقوبی در نگارش تاریخ ادیان و ملل دیگر و همچنین در تاریخ مسیحیت و یهود، ابتدا به اناجیل اربعه و آثار یهود مراجعه کرده است. وی بسیاری از اطلاعات خود را از کتاب مقدس گرفته است؛ یعنی از کتب مقدس درجه دوم که در مشرق رایج بوده و هم از ادبیات عرفانی آن زمان که وی بدان زیاد آشنایی داشته است. گویا مهم‌ترین مأخذ او کتابی بوده به نام «غار گنج‌ها» که تاکنون چاپ نشده، اگرچه نام آن در بسیاری از کتب سریانی، عربی و حبشی ضبط شده است (ر ک یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱/ ۳۱).

یعقوبی در متن کتاب در بحث از آدم، عبارت «به عقیده اهل کتاب» (همان: ۵/ ۱) و درباره موسی بن عمران عبارت «دانا‌یان بنی اسرائیل بگویند» (همان: ۴۵) را به کار برده است. وی در بحث از پیامبران بنی اسرائیل و پادشاهان پس از موسی از عبارت «به قول بعضی از اهل کتاب» (همان: ۴۶) به‌طور غیرمستقیم به منابع خود اشاره می‌کند. یعقوبی آنجا که از قول برخی به زمان سوار شدن نوح بر کشتی سخن می‌گوید، با عبارت «اما اهل کتاب این سخن را باور ندارند» به روایت خود ادامه می‌دهد (همان: ۱۴-۱۵).

البته بعضی موارد از اطلاعات و اخبار موجود در کتاب یعقوبی با کتب عهدین مطابقت نمی‌کند، دکتر آیتی، این مطالب را با مطالب کتاب مقدس مقایسه کرده و موارد شباهت و اختلاف را در پاورقی ترجمه کتاب ارائه کرده است (ر ک آیتی، ترجمه تاریخ یعقوبی، ۱۳۴۲: ۱/ ۲۳-۱۰). یعقوبی مطالب خود درباره مسیح علیه السلام را با ولادت او آغاز می‌کند (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱/ ۶۸). وی در مواردی با عبارت «اصحاب الانجیل» یا «قد وصف الحواریون» به ثبت مطالب خود می‌پردازد (همان: ۶۸).

دو. استفاده از نقل قول‌های قبیله‌ای

یکی از مواردی که اعتبار تاریخ یعقوبی را ضعیف می‌کند، استفاده از نقل قول‌های قبیله‌ای است. مطالعه متن تاریخ یعقوبی و مقایسه آن با منابع مکتوب تاریخی مورخان مسلمان قبل و معاصر یعقوبی، نشان می‌دهد که مکتوبات روایی، اعم از نقل قول‌های قبیله‌ای مربوط به انساب قبایل عرب و روایات مربوط به تاریخ اسلام از عمده منابع او خصوصاً در کتاب دوم؛ یعنی وقایع تاریخ اسلام بوده است؛ اما به دلیل آنکه یعقوبی در تألیف کتاب خود از روش ترکیبی؛ یعنی مقایسه میان روایات مختلف مربوط به یک واقعه و ترکیب آن‌ها و سرانجام ارائه در قالب گزارشی واحد استفاده کرده است. فقط در مقدمه کتاب دوم به ذکر کلی یا جمعی منابع روایی خود پرداخته است. وی در بخش‌های مربوط به وقایع دوران جاهلیت و انساب عرب و قبایل و طوایف آنان و ملوک کنده و حیره و شام و یمن و کیش‌های عرب و ... از امثال هشام بن محمد بن سائب کلبی و عیسی بن یزید بن دأب و هیشم بن عدی و مدائنی که از آنان در مقدمه کتاب دوم نام برده، بی‌شک استفاده کرده است (ر ک آیتی، ترجمه تاریخ یعقوبی، ۱۳۴۲: ۱/۳۳).

یعقوبی در مقدمه کتاب دوم که درباره تاریخ اسلام است، پس از ذکر اجمالی منابع روایی خود و حمد خدای متعال و درود بر پیامبر و خاندان پاکش و ذکر مطالب کتاب اول، از کتاب دوم، مطالب آن و روش‌ها و اهداف خود سخن می‌گوید (همان: ۲/۵-۶). وی اذعان می‌کند که در این کار از پیشینیان الگو گرفته؛ اما نه کاری تکراری، بلکه هدف خود را در نهایت تواضع علمی، ارائه کاری کامل‌تر و برکنار از اختلافات موجود در آن‌ها می‌داند و می‌گوید: «این کتاب خود را بر اساس آنچه بزرگان، دانایان و راویان پیشین و علمای سیر و اخبار و تواریخ روایت کرده‌اند، تألیف نمودیم و نظر نداشتیم تا به تنهایی کتابی را تصنیف کنیم و خود را در کاری که دیگران بر ما پیشی گرفته‌اند، به‌زحمت اندازیم؛ اما بر آن شدیم که گفتارها و روایت‌ها را فراهم‌سازیم، چه آن‌ها را چنان یافتیم که در حدیث‌ها و خبرهای خود و در سال‌ها و عمرها اختلاف کرده، برخی فزوده و بعضی کم کرده‌اند، پس خواستیم آنچه را از هر یک از آنان به ما رسیده است، جمع‌آوری کنیم؛ چه یک نفر به تمام دانش احاطه پیدا نمی‌کند.» (همان: ۲/۵).

وی در ادامه با استناد به احادیثی از امام علی علیه السلام و سخنانی از بزرگان و حکما در ارزش علم، به مطالب و منابع خود اشاره می‌کند و از کسانی که مطالب را از آنان روایت کرده است: نام می‌برد: اسحاق بن سلیمان بن علی هاشمی از بزرگان بنی‌هاشم، ابوالبختری وهب بن وهب قرشی از جعفر بن محمد و جز او از رجال حدیثش و أبان بن عثمان [بجلی] از جعفر بن محمد و محمد بن عمر واقدی



از موسی بن عقبه و جز او از رجال حدیثش و عبدالملک بن هشام از زیاد بن عبدالله بکایی از محمد بن اسحاق مطلبی و ابوحسان زبیدی از ابوالمنذر کلبی و جز او از رجال حدیثش و عیسی بن یزید بن دأب و هشیم بن عدی طائی از عبدالله بن عباس همدانی و محمد بن کثیر قرشی از ابو صالح و جز او از رجال حدیثش و علی بن محمد بن عبدالله بن ابی سیف مدائنی و ابومعشر مدنی و محمد بن موسی خوارزمی منجم و ماشاءالله منجم در طالع سالها و زمانها. وی در ادامه اذعان می‌کند که از غیر از این افراد هم مطالبی گرفته؛ اما به آنها اشاره‌ای نکرده است (همان: ۶/۲).

سه. استفاده از نقل قول‌های شعری

یعقوبی در کتاب اول، از مبحث پادشاهان یمن تا ولادت اسماعیل علیه السلام اشعار بسیاری را نقل کرده است (همان: ۱۹۷/۲-۲۵۳). از این رو، باید گفت منبع او، روایات شفاهی عصر جاهلی عرب بوده که در عصر حیات او به صورت مکتوب در دسترس وی قرار داشته است. مضامین شواهد شعری یعقوبی از این قرار است: مفاخر نیاکان و قبیله (همان: ۲۳۹/۲-۲۴۰)، ضرب‌المثل‌ها (همان: ۲۴۰/۲)، روایات و داستان‌های حکمت‌آموز (همان: ۲۳۶/۲-۲۳۱-۲۲۶-۲۱۰)، از دیگر مضامین اشعاری است که یعقوبی به آنها استناد کرده است. در حوادث مربوط به تاریخ اسلام نیز استناد به اشعار و ابیات وجود دارد. در بعضی موارد شاعر و مخاطب مشخص است و در مواردی به عبارت «و فیه یقول الشاعر» اکتفا می‌کند (همان: ۴۰۷/۲). در بعضی از اشعار درباره شاعرانی چون امیه بن ابی صلت (رک همان: ۲۰۰/۱) و امرؤ القیس و عبید بن ابرص اسدی (همان: ۲۱۸-۲۱۹) اطلاعاتی را به دست می‌دهد.

چهار. استفاده از منابع نامشخص

چهارمین نقطه ضعف در تاریخ یعقوبی، منابع نامشخص است. یعقوبی در مطالب مربوط به پادشاهان سریانی، پادشاهان موصل و نینوا و پادشاهان بابل (همان: ۸۱/۲-۸۲)، هیچ اشاره مستقیم یا غیرمستقیمی به هیچ منبعی نمی‌کند؛ اما می‌توان حدس زد که آنها را بر اساس منابعی مکتوب نقل کرده است. اشاره گذرا و سطحی یعقوبی به این مباحث این فرض را به ذهن متبادر می‌سازد که شاید یعقوبی برای این مباحث اهمیت کم‌تری قائل بوده یا از آنجاکه منابع و مطالب اندکی موجود بوده و یا در اختیار داشته، به ناچار به همان‌ها بسنده کرده است. شاید او در مقدمه کتاب اول به منابع اصلی این مطالب اشاره کرده بوده که متأسفانه از میان رفته است. آیتی در ترجمه کتاب اول، مقایسه‌ای بین مطالب مشترک یعقوبی و مسعودی انجام داده و به ذکر موارد اختلاف این دو مورخ پرداخته است (آیتی، ترجمه

تاریخ یعقوبی، ۱۳۴۲: ۱/ ۱۰۰). در مطالب مربوط به پادشاهان هند، یونانیان و پادشاهان یونان و روم نیز یعقوبی (همان: ۱/ ۸۳-۱۴۳) اشاره مستقیمی به منابع مورد استفاده خود نکرده است؛ اما در ضمن مطالب او می‌توان به اشاراتی غیرمستقیم دست یافت، گرچه در اینجا نیز این مشکل وجود دارد که نمی‌توان نوع مکتوب یا شفاهی منابع را تشخیص داد.

هوتسما در این مورد می‌گوید: «راجع به تاریخ هند و یونان و ملل دیگر که یعقوبی درباره آن‌ها صحبت کرده است، نمی‌دانیم که مأخذ آنچه بوده، چون مقدمه قسمت اول کتاب از بین رفته است...» (آیتی، ترجمه تاریخ یعقوبی، ۱۳۴۲: ۱/ ۳۱). یعقوبی در مباحث مربوط به پادشاهان هند با عباراتی چون «دانایان هند گفته‌اند» (همان: ۱/ ۸۴-۸۹-۹۲) سخن را آغاز کرده و به بحث از فرهنگ این سرزمین پرداخته است. در بخش مربوط به یونانیان نیز یعقوبی (همان: ۱/ ۹۵) تقریباً بدون هیچ اشاره مستقیم یا غیرمستقیم به منابع مورد استفاده خود، به ذکر علوم و آثار علمی آنان و سپس به معرفی آثار مشهور بقراط، جالینوس، سقراط، فیثاغورس و... پرداخته و آثار ذکر شده را فصل به فصل و گفتار به گفتار معرفی کرده است (همان). وی در مبحث پادشاهان یونان و روم از کتاب قانون بطلمیوس به عنوان منبع خود در ذکر نام اولین پادشاه یونانیان (فیلفوس) استفاده کرده است (همان: ۱/ ۴۳). او در این بخش همچون مورخ نامدار پس از خود؛ یعنی طبری باید از کتب هشام بن محمد بن سائب کلبی که ابن ندیم از آن‌ها یاد کرده، استفاده کرده باشد (همان: ۱/ ۳۱). وی همچنین در مطالب مربوط به پادشاهی پارسیان و جانشینان آنان بنا به تصریح خود، به اطلاعاتی که از نسب شناسان گرفته، استناد کرده است (همان: ۱/ ۱۵۸).

پنج. استفاده از منابع شفاهی

یکی از دلایلی که به‌طور قطع نمی‌توان به تاریخ یعقوبی اعتماد کرد، استفاده از منابع شفاهی است. به‌طوری‌که نمی‌توان با اطمینان گفت که مشخصاً منابع او مکتوبات بوده‌اند یا نقل منقولات به طریق شفاهی؛ زیرا وی در متن کتاب خود کمتر به منابع خود اشاره می‌کند و این مشکل در جلد اول که مقدمه آن از بین رفته، بیشتر به چشم می‌خورد. مسئله دیگر آنکه فرض بر اینکه بخشی از اطلاعات وی نتیجه جهانگردی، مشاهدات و شنیده‌های مستقیم خود او بوده باشد؛ اما در متن کتاب، به‌ندرت گزارش مستقیمی از مشاهدات او آمده است تا بتوان به‌طور قطع آن را دلیل بر این دانست که منبع اطلاعات او مشاهدات شخصی‌اش بوده است. شواهد این مدعا در متن کتاب به‌طور پراکنده و در



مقدمه جلد دوم و بحث از منابع و در مقدمه کتاب جغرافیایی «البلدان» موجود است. در مقدمه «البلدان» می‌گوید: «در آغاز جوانی پا به سفر نهادم و سفرهای من پیوسته گشته و دور ماندنم از وطن ادامه یافت، پس چنان بودم که هرگاه به مردی از آن بلاد برمی‌خوردم، وی را از وطنش و شهرش پرسش می‌نمودم؛ و آنگاه که میهن و جایگاه خود را برای من می‌گفت، او را از همان سرزمینش پرسش می‌نمودم، ... و کشت آنچه چیز است و ساکنان آن از عرب و عجم کیان‌اند...، آب آشامیدنی اهالی آنجا تا آنجا که از پوشاک آنان پرسش می‌نمودم... و دانستم که مخلوق به پایان (امور) احاطه نمی‌کند.» (یعقوبی، البلدان، ۱۴۲۲: ۱/ ۱-۲).

بعضی از گزارش‌های وی فاقد اعتبار است؛ در جریان کشته شدن ادریس بن ادریس می‌گوید: «به گفته مردم مغرب، موسی [هادی عباسی] کسی نزد وی فرستاد.» (همان: ۴۰۵) که مشخص نمی‌کند، مردم مغرب را در جریان سفر حج ملاقات کرده یا در سرزمین مغرب. در جریان رفتن هارون به گرگان از شاهدان واقعه روایت می‌کند که پیرمردی از آل مهلب که همراه عیسی بن جعفر بوده، مرا خبر داد (همان: ۴۲۹) یا از والی خراسان در دوره مأمون، غسان بن عباد، روایتی می‌آورد (همان: ۴۵۲).

یافته‌ها

با بررسی و تحلیل مطالب ذکر شده به این واقعیت می‌رسیم که اگرچه ادیان الهی همه دارای نور واحد هستند و از طرف خداوند متعال نازل شده‌اند و دارای شباهت‌هایی هستند و هم دیگر را تصدیق می‌کنند، ولی لزوماً تأثیری در گسترش همدیگر ندارند و نمی‌توان پذیرفت که یکی از آن‌ها از دوتای دیگر تأثیر پذیرفته و همه دستوراتش را از آن‌ها گرفته است.

مستشرقان با وارد کردن این شبهه سعی می‌کنند، به منافع ادیان یهود و مسیحیت توجه کنند و پیامبر اکرم ﷺ را متأثر از آموزه‌های یهود و مسیحیت بدانند و تورات که نقطه مشترک بین یهود و مسیحیت است را تأثیرگذار در اسلام جلوه دهند و اسلام را وام‌دار تاریخ یهود و مسیحیت قلمداد کنند.

همچنین بر این باور بودند که رسول خدا ﷺ، همیشه تمایل داشت که دینش را به شکل دین یهود درآورد و اسلام از یهودیت انتقال یافت. همه هم و غم رسول اکرم ﷺ بر این معطوف بوده که دین اسلام را بر اساس آیین یهود پایه‌ریزی نماید و شاکله اسلام را، هماهنگ با یهودیت قرار دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مستشرقان به دنبال تضعیف دین اسلام هستند و با استفاده از منابع ضعیف شبهات خود را وارد دین کرده و بعد به قرآن نسبت می‌دهند.



نتیجه گیری

در این تحقیق سعی شد، دیدگاه‌های مطرح شده در مقاله «اسلام اولیه بر اساس منابع یهود و مسیحیت»، هارالد سوئرم، میان اندیشه‌وران حوزه علوم قرآنی مورد بررسی قرار گیرد. داده‌های مورد نظر از راه مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش جمع‌آوری شدند. نتیجه حاصل از تحقیق این شد که سوئرم و مستشرقانی همچون کرون و کوک که دیدگاه گلدزیهر را توضیح می‌دهند، دین یهود و مسیحیت را تأثیرگذار در اسلام اولیه و گسترش آن می‌دانند و اسلام را خشونت طلب و قوم‌گرا معرفی می‌کنند که با آیات قرآن و منابع اصیل پاسخ داده شده است. به نظر می‌رسد این مستشرقان به دنبال تضعیف دین اسلام هستند و با استفاده از منابع ضعیف شبهات خود را وارد دین کرده و بعد به قرآن نسبت می‌دهند.

در پایان با توجه به اهمیت این بحث و تبیین آن و به دلیل اینکه در این پژوهش محدودیت موضوعی و زمانی مانع از تبیین کامل شد. به افرادی که علاقه‌مند به تحقیق در این زمینه هستند، پیشنهاد می‌گردد، با مطالعه وسیع و جامع روایات اهل بیت علیهم‌السلام و کتب تاریخی، دیدگاه آن بزرگواران را در این خصوص تبیین کنند؛ چراکه اهل بیت علیهم‌السلام دانشمندان واقعی هستند و بهترین منبع برای غنی کردن علم بشری در هر موضوعی هستند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران: ۱۴۱۵.
۲. آیتی، محمد ابراهیم، ترجمه: تاریخ یعقوبی، دار تهران، تهران: ۱۳۴۲.
۳. الهی، عباس، سازندگی، مهدی، نقد مقاله ابراهیم (علیه السلام) نوشته فایرستون، قرآن پژوهی خاورشناسان، سال ۱۵، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
۴. بدوی، عبدالرحمن، دفاع از قرآن در برابر خاورشناسان، ترجمه: سید حسین سیدی، آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۸۲.
۵. بیات، علی، «بررسی تاریخ نگاری یعقوبی به لحاظ منابع»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۶. پارسا، فروغ، خاورشناسان و جمع قرآن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
۷. توفیقی، حسین، «کتاب یهودیت، مسیحیت و اسلام»، هفت آسمان، ۱۳۸۵.
۸. چولر، جرج، «جمع و تدوین قرآن»، پژوهش های تاریخی و ادبی در قلمرو قرآن، شماره ۷، ۲۰۱۰.
۹. رنجبران، داود، «پژوهش تاریخی مؤلفه های گفتمان یهودی»، پژوهش های تاریخی، شماره ۴۰، ۱۳۹۷.
۱۰. رنجبران، داود، «رد ادعای تأثیرپذیری اسلام از ادیان پیشین خود»، مطالعات معرفتی در دانشگاه های اسلامی، شماره ۶۱، ۱۳۹۳.
۱۱. سوئرمین، هارالد، «اسلام اولیه بر اساس منابع مسیحی و یهودی»، پژوهش های تاریخی و ادبی در قلمرو قرآن، ش ۷، ۲۰۱۰.
۱۲. قضائی، محمدرضا، سعدی، احمد، نقد دیدگاه گلدزیهر در مورد اقتباس آموزه های اسلام از یهود، قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره ۱۴، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۱۳. صالحی، مهدی، مسجد جامع، محمد، مقری، احمد، «گفت و گوی اسلام و مسیحیت در ایران معاصر: نگرشی آسیب شناسی»، پژوهش های ادیان، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۱۴. الصوری، ویلیام، تاریخ الحروب الصلیبیه (الاعمال المنجزه فیما وراء البحار)، ۲۰۰۴.
۱۵. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، بی جا: چاپ سوم، بی تا.



۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: ۱۴۱۷ ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲.
۱۸. گلدزیهر، ایگناس، درس‌هایی درباره اسلام، مترجم: علی نقی منزوی، کمانگیر، تهران: چاپ دوم، ۱۳۵۷.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴.
۲۰. مونتگمری، وات، برخورد آراء مسلمانان و مسیحیان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۳.
۲۱. مونتگمری، وات، محمد پیامبر و سیاست‌مدار، ترجمه: اسماعیل والی زاده، کتاب‌فروشی اسلامی، تهران: ۱۳۴۴.
۲۲. نورائی، محسن، «نقد و بررسی دیدگاه ویلیام فدرر درباره مصادر قرآن»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، شماره ۲۹، ۱۳۹۶.
۲۳. یعقوبی، احمد، البلدان، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۲.
۲۴. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۳۷۹.
25. Crone, P (1980).Islam, Judeo-Christianity and Byzantine Iconoclasm. In JSAl,ii
26. Goldziher, Ignaz (1981). Introduction to Islamic Theology and Law, Trans. By Andras and Ruth Hamori, Princeton University Press.
27. Suermann, Harald. “Der byzantinische Endkaiser bei Pseudo-Methodicus.” Oriens Christianus 71 (1987): 140 – 155.
28. Suermann, Harald. “Juden und Muslime gemas christlichen Texten zur Zeit Muhammads und in der Fruhzeit des Islams.” In Annäherung an das Fremde:XXVI. Deutscher Orientalistentag vom 25. bis 29.9.1995 in Leipzig, edited by Holger Preissler and Heidi Stein, 145 – 154. Stuttgart, 1998.
29. Suermann, Harald. “Sebeos’ Bericht uber den Islam.” In Sprache und Geist: Peter Nagel zum 65. Geburtstag, edited by Walter Beltz, Ute Pietruschka, and Jurgen Tubach, 311 – 327. Halle and Wittenberg, 2003
30. Suermann, Harald. Die geschichtstheologische Reaktion auf die einfallenden Muslime in der edessenischen Apokalyptik des 7. Jahrhunderts. Frankfurt (Main), 1985.



Bibliography

1. The Holy Quran, translated by Fooladvand, Mohammad Mehdi, Dar al-Quran al-Karim (Office of Islamic History and Studies), Tehran: 1415.
2. Ayati, Mohammad Ibrahim, translation: Tarikh Yaghoubi, Dar Tehran, Tehran: 1342.
3. Elahi, Abbas, Sazandegi, Mehdi, Critique of the article of Abraham (AS) written by Firestone, The Qur'an from Orientalists Points of View, Volume 15, Number 28, Spring and Summer 1399.
4. Badavi, Abdul Rahman, Defending the Qur'an against Orientalists, translated by Seyyed Hossein Seyyed, Astan Quds Razavi, Mashhad: 2003.
5. Bayat, Ali, "Study of Yaqubi historiography in terms of sources", Journal of the History of Islamic Civilization, 1390.
6. Parsa, Forough, Orientalists and Collection of the Quran, Institute of Humanities and Cultural Studies, 2011.
7. Tawfiqi, Hussein, "Book of Judaism, Christianity and Islam", Sky Week, 2006.
8. Schoeler, gregor, "Collection and Compilation of the Qur'an", Historical and Literary Research in the Realm of the Qur'an, No. 7, 2010.
9. Ranjbaran, Davood, "Historical Research on the Components of Jewish Discourse", Historical Research, No. 40, 1397.
10. Ranjbaran, Davood, "Rejection of the claim of Islam being influenced by its previous religions", Epistemological Studies in Islamic Universities, No. 61, 2014.
11. Suerman, Harald, "Early Islam Based on Christian and Jewish Sources," Historical and Literary Research in the Realm of the Qur'an, vol. 7, 2010.
12. Qazaei, Mohammad Reza, Saadi, Ahmad, Critique of Goldziher's view on the adaptation of Islamic teachings from Judaism, The Qur'an from Orientalists Points of View, Volume 14, Number 26, Spring and Summer 1398.
13. Salehi, Mehdi, Masjed-e-Jamei, Mohammad, Moghari, Ahmad, "The Dialogue of Islam and Christianity in Contemporary Iran: A Pathological Perspective", Religious Studies, No. 6, Fall and Winter 2015.
14. Al-Suri, William, History of the Crusades (Al-Amal Al-Manjaza Fima Beyra Al-Bahar), 2004.

15. Taleghani, Mahmoud, a Light of the Quran, Publishing Company, Bija: Third Edition, Bita.
16. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Islamic Publications of the Seminary Teachers Association, Qom: 1417 AH.
17. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, Majma 'al-Bayyan fi Tafsir al-Quran, Naser Khosrow Publications, Tehran: 1993.
18. Goldziher, Ignas, Lessons about Islam, Translator: Ali Managhi Manzavi, Kamangir, Tehran: Second Edition, 1978.
19. Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir Nomoneh, Islamic Library, Tehran: 1995.
20. Montgomery, Watt, The clash of Muslim and Christian views, Islamic Culture Publishing Office, Tehran: 1373.
21. Montgomery, Watt, Muhammad the Prophet and the Statesman, translated by Ismail Valizadeh, Islamic Bookstore, Tehran: 1344.
22. Nouraie, Mohsen, "Critique and study of William Federer's view on the sources of the Qur'an", Journal of Quranic Knowledge, No. 29, 1396.
23. Yaqubi, Ahmad, Al-Buldan, Dar Al-Kitab Al-Almiyeh, Beirut: 1422.
24. Yaqubi, Ahmad, Tarikh Ya'qubi, Dar al-Kitab al-Almiyeh, Beirut: 1379.
25. Crone, P (1980) .Islam, Judeo-Christianity and Byzantine Iconoclasm. In JSAL, ii
26. Goldziher, Ignaz (1981). Introduction to Islamic Theology and Law, Trans. By Andras and Ruth Hamori, Princeton University Press.
27. Suermann, Harald. "The Byzantine Endeavor at Pseudo-Methodicus." Oriens Christianus 71 (1987): 140–155.
28. Suermann, Harald. "Judean and Muslim gemas christlichen Texten zur Zeit Muhammads und in der Fruhzeit des Islams." In Annäherung an das Fremde: XXVI. Deutscher Orientalistentag vom 25. bis 29.9.1995 in Leipzig, edited by Holger Preissler and Heidi Stein, 145–154. Stuttgart, 1998.
29. Suermann, Harald. "Sebeos' Bericht uber den Islam." In Sprache und Geist: Peter Nagel zum 65. Geburtstag, edited by Walter Beltz, Ute Pietruschka, and Jurgen Tubach, 311–327. Halle and Wittenberg, 2003
30. Suermann, Harald. The historical-theological reaction to the infamous Muslims in the Edocene apocalyptic of the 7th Anniversary. Frankfurt (Main), 1985.